

سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری (مطالعه موردی: خیابان مدرس کرمانشاه)

سید تاج‌الدین منصوری^۱ (نویسنده مسئول)، حیدر جهان بخش^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۰۶

چکیده

تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری به علت تعامل فرمال، معنایی و عملکردی انسان با محیط، یکی از نخستین گام‌های درک خوشایندی فضا توسط شهروندان می‌باشد. اهمیت آن در فضای شهری از آن روست که کلیت شهر را به مثابه یک متن آشکار ساخته و امکان قرائت و خوانش این متن را فراهم می‌آورد. تنها در آینه تعاملات اجتماعی فضای شهری است که ابعاد ناملموس حیات مدنی از طریق نظامی از نشانه‌ها امکان تجلی و بروز خارجی یافته و ارزیابی مثبت یا منفی را میسر می‌سازد. چرا که انجام فعالیت‌های گوناگون در فضای شهری توسط مردم، جزئی از فرهنگ آنان به حساب می‌آید. پژوهش حاضر با هدف سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری انجام گرفته است. جامعه مورد پژوهش را کارشناسان و مردم، تشکیل داده؛ که بر این اساس جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه، افراد از روش تصادفی ساده، و کارشناسان با روش خوشه‌ای انتخاب شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به نتایج فرآیند SWOT، از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و در قالب نرم‌افزار EXPERT CHOICE، استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه‌هایی از جمله؛ پیاده‌راه، ارتباط غیرکلامی و تعامل فضا و مکان؛ مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری را موجب می‌شوند. جهت دستیابی علمی و عملی به مؤلفه‌های مورد نظر در طراحی فضای شهری، استفاده از شاخص‌هایی مانند؛ سرزنده بودن، امکان مراوده بین انسان‌ها، عمومی و خصوصی بودن فضا و غنی کردن تجربیات شهروندان، مورد نظر است.

واژه‌های کلیدی

تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری، فضای شهری، خیابان مدرس کرمانشاه.

۱. کارشناس ارشد معماری

۲. استادیار گروه معماری دانشگاه پیام نور تهران

۱- مقدمه

مسئله اجتماع‌پذیری^۱ در فضای شهری^۲ در ارتباط با ایجاد روابط اجتماعی مطلوب و افزایش فرصت‌های تعامل اجتماعی در ارتباطات فردی و فرافردی (گروهی) مطرح می‌شود (صالح‌نیا و معماریان، ۱۳۸۸: ۸). در قلمروهای عمومی شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضای معماری ساخته‌شده دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشند؛ دلیل اصلی این مسأله این است که میان تعامل اجتماعی و دلبستگی مردم به محیط‌های اجتماعی و ساخته شده، رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد (لنگ، ۱۳۸۹) و عناصر بکاررفته در فضای شهری، نشان‌دهنده فرهنگ اجتماعی افرادی است که با آن فضا سروکار دارند. فرآیند اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباطات اجتماعی بین بهره‌برداران هر فضای عمومی و مشترک معماری قابل حصول است و قابلیت شرکت مؤثر در تعامل با دیگران، چه در زندگی خصوصی و چه در زندگی عمومی و حرفه‌ای انسان‌ها، از اهمیت حیاتی برخوردار است (فرگاس، ۱۳۷۹). بنابراین فضاهای شهری به عنوان بستری در جهت بهبود ارتباطات و رشد تعاملات اجتماعی افراد می‌بایست از منظر اجتماع‌پذیری مورد ملاحظه قرار گیرند. فضاهای اجتماع‌پذیر که منشأ زندگی روزمره‌اند، فضاهایی چند منظوره هستند که تأمین‌کننده بسیاری از فعالیت‌ها و مورد استفاده کاربران می‌باشند و هماهنگی اجتماعی کاربران را تأمین می‌کنند (لنارد، ۱۳۷۷). در سازماندهی فضایی اجتماع‌پذیر، امکان تماس چهره به چهره وجود دارد و فاصله فضاهای تعامل و ارتباطی یا نشستن، در حد فاصله‌های اجتماعی - مشورتی تقلیل پیدا می‌کند. (لنگ، ۱۳۸۹). اجتماع‌پذیری در فضای شهری به عنوان پدیده‌ای عینی - ذهنی است که با کالبد و خاطره شهر پیوند خورده است و بیان‌کننده هویت تاریخی- فرهنگی^۳ مردم می‌باشد. آنچه ما به عنوان اجتماع‌پذیری فضای شهری از آن یاد می‌کنیم میل به زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز است و سیاست‌های حفظ کالبد صرف، برای احیاء هویت و نادیده انگاشتن زندگی امروز، چالشی جدی در فضای شهرها محسوب می‌شود. نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت است اینکه در واقع، بخشی از اجتماع‌پذیری در فضای شهری با کالبد گذشته شهر پیوند خورده است و زمانی که مکان‌های خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته را از بین می‌بریم بدنبال قطع تداوم تاریخی، فضای شهری هویت‌مند را از بین برده‌ایم؛ فضایی که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته، شهر را هویت‌مندتر سازد.

در زمینه مورد بحث تحقیقات مختلفی در سراسر دنیا انجام شده است. از مهم‌ترین این مطالعات نتایج تحقیق آرنٹ^۴ (۱۹۵۸) می‌باشد که فضا را در دو معنا؛ فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران تحلیل کرده تا درکی جامع از قلمروی عمومی سیاست و همین‌طور فضای عمومی کالبدی شهر فراهم کرده باشد. هماهنگی مردم و اشیاء در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیاء شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنٹ درباره فضای عمومی آمده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹۸). تمرکز اصلی در مطالعات زوکر^۵ (۱۹۵۹) پیرامون فضاهای شهری میدان است. از نظر او، میدان همچون توقف‌گاهی روانی در فضای شهری و محلی است که تعاملات اجتماعی افراد را در خود جای می‌دهد. در عین حال، زوکر طراحی فضاهای شهری را تنها محدود به ابعاد شکلی و زیبایی بصری ندانسته و بر جنبه‌های اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا به شدت تأکید می‌نماید. همچنین، زوکر معتقد بود که فضا به کمک تجربه حرکت انسان درون آن، ادراک می‌شود (زوکر، ۱۹۷۰: ۶). جیکوبز^۶ (۱۹۶۱) روزنامه‌نگار و صاحب‌نظر برجسته مسائل شهری در کتاب مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌نماید. به باور او آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند، فضاهای عمومی شهر بویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن می‌باشند. جیکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ب ۱۳۸۵: ۱۳۵). بنابراین، پیاده‌روها باید سر زنده باشند برای آن‌که بتوانند ساکنان بیش‌تری را به خود جلب کنند (جاکوبس، ۱۹۹۳: ۳۲). همچنین، از نظر او برای سرزنده نگهداشتن خیابان باید تعداد خاصی عابر، در پیاده‌روهای آن حضور داشته باشد و البته تراکم بالا را به تنهایی برای سرزندگی کافی نمی‌داند. مامفورد^۷ (۱۹۸۵) در بررسی خود با مطالعه تاریخی در جست و جوی یافتن ساختار شهری است که موجب توسعه انسانی می‌شود. وی بیان می‌کند، شهر نهاد خاص برای انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی است. از این رو طراحی فضاها باید امکان همزیستی و مشارکت را برای زندگی جمعی پدید آورد. دیگر نظریه‌پردازان برجسته‌ای که البته بدون اینکه معمار یا شهرساز باشد در حوزه مسائل اجتماعی و رفتارشناسی در فضاهای شهری تأثیرگذار بوده، وایت^۸ (۱۹۸۰) می‌باشد. در نظر او رفتار مردم در فضاهای شهری بصورتی عجیب غیرقابل پیش‌بینی است و آنچه بیش از هر عامل دیگری مردم را به خود جذب می‌نماید حضور سایر

و همکارانش به ارزیابی محیط سکونت می‌پردازند و فضاهای شهری را به ویژه از منظر ایجاد ارتباطات اجتماعی در هفت گروه دسته‌بندی می‌کنند؛ پلازاهای شهری، پارک‌های محله‌ای (واحدهای همسایگی)، پارک‌های جمع و جور، فضاهای باز مدارس، فضای باز مسکونی ویژه سالمندان، فضاهای باز ویژه نگهداری و بازی کودکان، فضاهای باز درمانی (بیمارستان‌ها) (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۸). کریپر^{۱۳} (۱۹۹۵) فضاهای شهری را جزیی از ساختار شهر تلقی می‌کند که محصور، خوانا و واجد شرایط ویژگی‌های زیبایی‌شناختی هستند. وی دوام میدان‌های شهری را در عملکردهای معنادار و مکان‌یابی مناسب آن در کل ساختار شهر جستجو می‌کند. همچنین کریپر بر این باور است که در کلان‌شهرها از جمله فضاهایی که می‌تواند تبیین‌کننده فرهنگ اجتماعی مردم خویش باشند، مراکزی است که بعنوان هسته‌های اولیه شکل‌گیری آن شهر مطرح می‌باشند. بر این اساس شهر کرمانشاه از جمله کلان‌شهرهای ایران است که محدوده خیابان مدرس در این شهر یکی از فضاهای مذکور می‌باشد. فضای شهری خیابان مدرس طی سال‌های متمادی دستخوش تغییراتی در سیما، بافت و کالبد شده است که این امر سبب کم رنگ شدن ارزش‌های فرهنگی - تاریخی و در نتیجه کاهش اجتماع‌پذیری فضای شهری منطقه شده است. بنابراین پژوهش کاربردی حاضر با هدف یافتن راهکارهای علمی و عملی سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری خیابان مدرس کرمانشاه، صورت گرفته است. همچنین در این پژوهش به لحاظ گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی - تحلیلی با رویکرد SWOT می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، در پی پاسخگویی به این سؤالات است که مؤلفه‌ها و شاخص‌های دست‌یابی به ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری چگونه حاصل می‌گردند؟ همچنین نظرات و دیدگاه‌های گروه‌های مختلف چه تأثیری در انتخاب مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری می‌تواند داشته باشد؟

۲- مواد و روش‌ها

۲-۱- منطقه مورد مطالعه

یکی از اصلی‌ترین محورهای تجاری و گردشگری شهر کرمانشاه خیابان مدرس در شمال این شهر می‌باشد. که با ورود وسایل نقلیه موتوری به شهر کرمانشاه در زمان پهلوی، به منظور دسترسی به درون محلات فیض‌آباد، برزه دماغ و

افراد در فضا است. گل^۹ (۱۹۸۷)، معمار و شهرساز دانمارکی است که محور اصلی پژوهش‌های خود را بر روی تعامل مسائل جامعه‌شناسی و روانشناسی با فضاهای همگانی شهری متمرکز نموده و از سال ۱۹۷۰ تا حدود سه دهه پیش از چندین کتاب در این ارتباط تألیف نموده است. به باور او جذابیت یک شهر را می‌توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گرد می‌آیند و وقت خودشان را در، آن جا می‌گذرانند، شناسایی کرد (پاکزاد، الف ۱۳۸۵: ۴۳۷). اگرچه گل مخالف جداسازی کامل آمد و شد سواره و پیاده است، اما شهر با آمد و شد آرام را همچون شهر زنده‌ای معرفی می‌کند که در آن، شمار افراد بیشتری از فضاهای همگانی استفاده می‌کنند و بودن در فضا، زمان بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد؛ از این رو احتمال حضور افراد نیز در فضاهای میان‌ساختمان‌ها در هر برش زمانی افزایش می‌یابد (گل، ۱۹۸۷: ۷۹). گل در کتاب زندگی در میان ساختمان‌ها انواع فعالیت‌های انسان در فضاهای همگانی را به سه گروه عمده تقسیم‌بندی نموده است: فعالیت‌های ضروری - کارکردی، فعالیت‌های گزینشی - تفریحی و فعالیت‌های اجتماعی. اولدنبرگ^{۱۰} (۱۹۸۹) در کتاب خود مکان خیلی خوب، کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، فروشگاه‌های کتاب، سالن‌های آرایش و سایر پاتوق‌ها در قلب یک اجتماع، این نظریه مرکزی را طرح می‌نماید که زندگی روزانه برای آسوده و رضایت‌بخش بودن باید تعادلش را در سه قلمرو تجربه‌ای، سکونت، کاری و اجتماعی پیدا نماید. او با تبیین اصطلاح مکان سوم بر فضاهای عمومی شهری و نقشی که با نزدیک شدن مکان‌های اول و دوم (قلمروهای خانه و کار) به یکدیگر می‌توانند به عنوان عامل اصلی هویت بخشی به یک شهر ایفا نمایند، تأکید می‌نماید. اولدنبرگ بر این باور است که انتظارات از خانواده و کار در ورای گنجایش آن نهادها برای برآورده نمودن آنها گسترش یافته است مردم آزاد کردن و تحریکی را که قلمروهای اجتماعی‌تر می‌توانند فراهم کنند، نیاز دارند (کارمونا، ۲۰۰۶: ۱۱۲). سیته^{۱۱} (۱۸۸۹) اولین کسی بود که شهر را مثابه اثری معمارانه مطرح کرد. وی با تأکید بر اهمیت نقش فضاهای عمومی در شهر، معتقد است یک شهر باید ایمنی و شادی را توأمان برای مردم به ارمغان آورد. وی با اینکه به (دیدن) به عنوان محل جسمانی فرد که به وسیله آن فضا را درک می‌کند، اهمیت فراوان می‌دهد ولی معتقد است که عوامل کالبدی تأثیری قوی بر روح انسان‌ها دارد و در برگیرنده حیات اجتماعی آن‌ها است. تأکید اصلی مارکوس^{۱۲} (۱۹۹۰)، فضاهای شهری و مردمی که در آن قرار دارند، می‌باشد. در کتاب مکان‌های مردمی، او

چنانی، طرح احداث آن به اجرا درآمد. نتیجه این اقدام، تقسیم شدن بازار به دو پاره شرقی و غربی بود. علاوه بر این، گذرهای درون بافت قطع و خیابان پس از عبور از مقابل مسجد جامع و وسط سبزه میدان با از بین بردن این فضای شهری، شاخه‌های اصلی بازار را قطع نمود. با ایجاد واحدهای تجاری، جداره‌سازی و کاشت پوشش گیاهی، این خیابان به مرکز اقتصادی شهر تبدیل شد. جذابیت مغازه‌های تجاری ساخته شده در بدنه خیابان مدرس موجب رونق این مغازه‌ها و کم رونق شدن واحدهای بازار گردید و بسیاری از بازاریان صاحب نفوذ به سمت واحدهای تجاری بر خیابان مدرس کشیده شدند. از مهم‌ترین بافت‌های تاریخی و دیدنی این منطقه می‌توان به مسجد جامع، کلیسای قلب مسیح مقدس، مسجد و حمام حاج شهپازخان، تکیه و حمام بیگلربیگی و غیره اشاره نمود (برومندسرخابی، ۱۳۸۸: ۲۸۳). شکل ۱ جایگاه منطقه مورد نظر (خیابان مدرس) و برخی ابنیه قدیمی را در شهر کرمانشاه نشان می‌دهد.



شکل ۱: موقعیت خیابان مدرس در شهر کرمانشاه

و یک سؤال به صورت باز) در سه بخش طراحی گردید. تدوین پرسشنامه، براساس روش کتابخانه‌ای و مرور عمیق ادبیات پژوهش صورت گرفته است. پاسخ به سؤالات به صورت وزن‌دهی و تعیین میزان تأثیر مؤلفه‌ها و شاخص‌های طراحی فضای شهری خیابان مدرس شهر کرمانشاه در راستای اهداف پژوهش، به منظور پاسخ‌دهی کارشناسان و عموم مردمی که در منطقه مورد پژوهش استفاده می‌کردند، طی روزهای مختلف هفته و در ساعات مختلف طول روز تهیه شد. اعتبار روایی و پایایی پرسشنامه از طریق نظر کارشناسان و اساتید طراحی شهری و آزمون میدانی صورت گرفته است. جامعه مورد پژوهش شامل تمام کارشناسان و افرادی که به‌طور روزمره با این منطقه در تماس بوده‌اند، در دو بخش کارشناسان و عامه مردم (شهروندان) دسته‌بندی شده است. که براساس محدودیت‌های مالی و زمانی پژوهش، تعداد ۱۰۰ پرسشنامه تهیه گردید. از این تعداد، ۲۵ پرسشنامه توسط کارشناسان و ۷۵ پرسشنامه توسط شهروندان منطقه مورد پژوهش، تکمیل گردید. جهت پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه، در انتخاب مردم عادی از روش تصادفی ساده استفاده شده است و در انتخاب کارشناسان، در مرحله اول به صورت خوشه‌ای و سپس از هر خوشه به صورت تصادفی تعدادی انتخاب شده‌اند. داده‌های اولیه حاصل از پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم‌افزار EXCEL دسته‌بندی شد و تجزیه و تحلیل آماری و استنباطی آنها با استفاده از نرم‌افزارهای AHP و EXPERT CHOICE مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

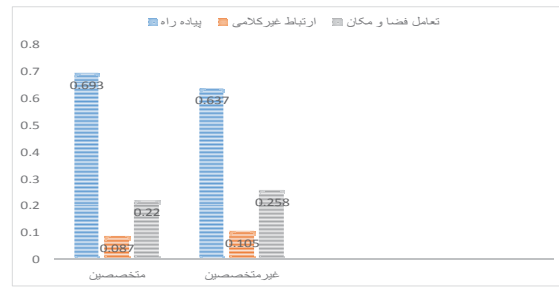
۳- نتایج

با توجه به مطالب بیان‌شده جهت دستیابی علمی و عملی به اهداف مورد نظر در این مطالعه، مؤلفه‌هایی مشخص گردید و جهت تبیین این مؤلفه‌ها، شاخص‌های دسترسی به آنها مشخص گردیدند. بر طبق تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش AHP که در شکل ۲ مطرح گردیده است از بین مؤلفه‌های مطرح‌شده (ارتباط غیرکلامی، پیاده‌راه و تعامل فضا و مکان) در پرسشنامه و در گروه متخصصین مهم‌ترین مؤلفه‌ها به ترتیب شامل پیاده‌راه، ارتباط غیرکلامی و تعامل فضا و مکان و در گروه غیرمتخصصین به ترتیب عبارتند از: پیاده‌راه، تعامل فضا و مکان و ارتباط غیرکلامی هستند. مؤلفه‌های پیاده‌راه وزن‌های ۰/۶۹۳ و ۰/۶۳۷، ارتباط غیرکلامی وزن‌های ۰/۱۰۷ و ۰/۱۰۵ و تعامل فضا و مکان وزن‌های ۰/۲۲۰ و ۰/۲۵۸ را به ترتیب از دیدگاه متخصصین و غیرمتخصصین (از یک بدست آورد.

۲-۲- روش پژوهش

در این پژوهش جهت دستیابی به اهداف مورد نظر، از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) استفاده گردید. روشی است منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش براساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به مدیران می‌دهد (قدسی پور، ۱۳۸۳). در این پژوهش، کاربرد مشخصی از این روش در تعیین معیارهای طراحی فضای شهری خیابان مدرس شهر کرمانشاه با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری، مورد بررسی قرار گرفته است. به همین منظور جهت اجرای این پژوهش، پرسشنامه‌ای حاوی هفت سؤال (شش سؤال به صورت بسته

در جدول ۲، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر طراحی مؤلفه‌های بیان شده در فضای شهری خیابان مدرس، طبق نظر محققین در این زمینه و جامعه آماری مورد بررسی دسته‌بندی و مشخص گردیده است. آنچه در این بررسی از نرخ سازگاری مقایسه‌های زوجی از دیدگاه متخصصین و غیرمتخصصین حاصل گردیده است عبارتند از: ۰/۰۲ و ۰/۰۵.



شکل ۲. وزن‌دهی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی از دیدگاه متخصصین (۱) و غیرمتخصصین (۲) - (منبع: نگارندگان)

جدول ۲. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های حوزه تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در خیابان مدرس کرمانشاه (منبع: نگارندگان)

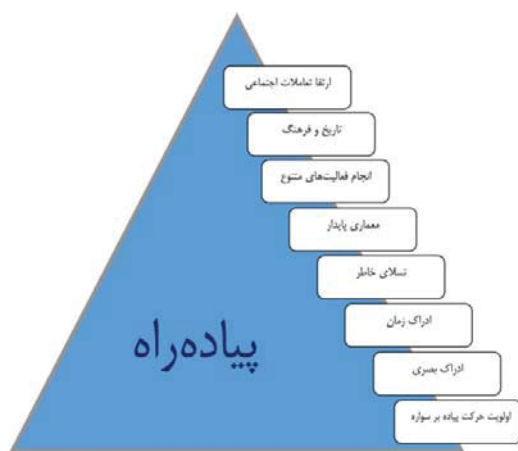
شاخص	مؤلفه	حوزه یا قلمرو
امکان مراوده بین انسان‌ها، گذران اوقات فراغت، خرید، تجمع و تظاهرات، دسترسی، تردد، پیاده‌روی	پیاده راه	تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری (اجتماعی فرهنگی)
عمومی و خصوصی بودن فضا و مکان، غنی کردن تجربیات شهروندان، تعامل فرمال، تعامل معنایی، تعامل عملکردی	تعامل فضا و مکان	
بهبود کیفیت زندگی، دسترسی و حرکت، سرزنده بودن، تساوی حقوق برای استفاده یکسان از محیط، افزایش برخوردهای اجتماعی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی	ارتباط غیرکلامی	

مؤلفه در این حوزه می‌باشد. جهت دستیابی به طراحی فضای شهری مناسب در حوزه تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری براساس مؤلفه مذکور شاخص‌های؛ امکان مراوده بین انسان‌ها، گذران اوقات فراغت، خرید، تجمع و تظاهرات، دسترسی، تردد، پیاده‌روی باید در طراحی فضای شهری خیابان مدرس مدنظر قرار گیرند. و از طرف دیگر مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی و تعامل فضا و مکان به‌عنوان متغیرهای میانجی می‌توانند ارتباط داده‌های حاصل از پژوهش را معنی‌دار نمایند. که براساس آن تقویت و بهبود کیفیت فضای شهر در راستای تأمین نیازهای ساکنان شهر، می‌تواند تعامل بیشتر انسان و محیط را باعث گردد و این یافته در راستای نتایج مطالعات وایت (۱۹۸۰)، اولدنبرگ (۱۹۸۹) و مارکوس (۱۹۹۰) قرار دارد (رضایی، ۱۳۸۳: ۶۲). نتایج یافته‌ها در بخش تحلیل پرسشنامه‌های هر گروه به صورت جداگانه در مورد بررسی شاخصه‌های مؤلفه ارتباط غیرکلامی با کمترین تأثیر می‌باشد، با توجه به نتایج پژوهش‌های مطرح شده و نتایج حاصل از تحلیل آماری پژوهش حاضر و با کنار هم قرار دادن معیارها فوق و همچنین نیازها و اهداف اصلی پروژه نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که بهترین عامل برای دستیابی به اهداف پژوهش، تبدیل خیابان مدرس به محور پیاده‌راه می‌باشد و این یافته، مشابه نتایج پژوهش‌های کالن^{۱۴} (۱۹۸۱) و پورجعفر و همکاران (۱۳۹۰) است. این امر به‌دلیل جامع

۴- نتیجه‌گیری

تعاملات اجتماعی در فضای شهری، ماهیتی است که به واسطه فعالیت‌های انسانی و همراه شدن آن با کالبد در طول تاریخ پدید می‌آید و در ذهن شهروندان تفسیر می‌شود. این ابعاد ذهنی ممکن است فردی و یا جمعی باشد. اجتماع‌پذیری در فضای شهری در آغاز امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی شهر موجودیت می‌یابد و به سبب گذشت زمان و تکرار شدن، به عنصر مشترک پیونددهنده افراد جامعه بدل می‌گردد. اگرچه فضای شهری در ابتدا از طریق کالبد و احساسات درک می‌شود، اما آنچه بدان معنا می‌بخشد، ذهنیت شهروند است. در راستای دستیابی به هدف پژوهش که ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان مدرس کرمانشاه می‌باشد نتایج بدست آمده نشان داد که نرخ سازگاری مقایسه‌های زوجی از دیدگاه متخصصین و غیرمتخصصین حاصل گردیده عبارتند از: ۰/۰۲ و ۰/۰۵ در صورتی که نرخ ناسازگاری، کوچک تر یا مساوی ۰/۱ باشد، در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد و در غیر این صورت، تصمیم‌گیرنده باید در مقایسات زوجی تجدیدنظر کند (قدسی‌پور، ۱۳۸۵: ۵۳) بنابراین با توجه به نرخ سازگاری بدست آمده، سازگاری بین مؤلفه‌ها تأیید می‌گردد. عامل تأثیرگذار بر حوزه تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری به عنوان متغیر مستقل در دو گروه مؤلفه پیاده‌راه به عنوان متغیر وابسته، مؤثرترین و با اهمیت‌ترین

تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در راستای ارتقای حضور پذیری انسان در فضای شهری می‌باشند و این نکته در مطالعات آنت (۱۹۵۸)، زوکر (۱۹۵۹)، جیکوبز (۱۹۶۱)، وایت (۱۹۸۰)، گل (۱۹۸۷)، اولدنبرگ (۱۹۸۹)، مارکوس (۱۹۹۰)، مدنی‌پور (۱۳۸۷) و معینی (۱۳۸۵) مورد تأکید قرار گرفته است و از طرفی افزایش تعامل‌پذیری اجتماعی می‌تواند امری باشد که مردم را به حضور در فضا تشویق نماید. مؤلفه‌های بیان‌شده در طراحی فضاهای شهری از جمله خیابان مدرس کرمانشاه، سبب ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری انسان و محیط می‌گردند که این امر سبب ایجاد و افزایش اجتماع‌پذیری فضا گردیده و باعث ارتقای کیفیت تعاملات و کسب رضایت‌مندی و آرامش روانی کاربران می‌گردد. با توجه به اینکه خیابان مدرس کرمانشاه مهم‌ترین مرکز اقتصادی و اجتماعی مردم می‌باشد، جهت ارتقای تعاملات اجتماعی انسان و محیط پیشنهاد می‌گردد با بکارگیری مؤلفه‌های ذکر شده توسط برنامه‌ریزان و متخصصین شهری، علاوه بر ایجاد تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری انسان و محیط، سبب احیای ارزش‌های فرهنگی - تاریخی منظر شهری گردد.



شکل ۳. مزایای ایجاد راهبرد پیاده‌راه در خیابان مدرس کرمانشاه با توجه به اهداف پژوهش (منبع: نگارندگان)

بودن مؤلفه پیاده‌راه نسبت به مؤلفه ارتباط غیرکلامی از دیدگاه جامعه مورد بررسی می‌باشد و طبق نتایج انجام گرفته در این ارتباط (رسولی و رحیم‌دخت‌خرم (۱۳۸۸)، کاشانی‌جو (۱۳۸۹) و پورجعفر و همکاران (۱۳۹۰)) پیاده‌راه از جمله فضاهای شهری است که در آن به دلیل اینکه پیاده‌روندگان آهسته حرکت می‌کنند و به راحتی قادر به توقف، کاهش یا افزایش سرعت گام‌های خود هستند، لذا تنها کسانی هستند که قادر به درک رویدادهای محیطی که در آن قرار گرفته‌اند، ناآل می‌شوند. بنابراین، این حقیقت که پیاده‌روی برترین شکل ایجاد تعامل انسان با محیط شهری است، مورد پذیرش همگان است؛ مسیرهای پیاده معابری با بالاترین حد نقش اجتماعی هستند که در آن‌ها، تسلط کامل با عابر پیاده بوده و ابزاری برای فعالیت جمعی هستند که کیفیت محیطی را بالا برده و سلامت اجتماعی را تقویت می‌کنند. یک پیاده‌راه اغلب شامل تجهیزاتی برای ارتباطات وسیع‌تر، گسترده‌تر و نزدیک‌تر اجتماعی است (پاکزاد، ۱۳۸۶؛ ۲۸۱-۲۷۹). همچنین وایت (۱۹۸۰) نقل می‌کند که برخی مسیرها توسط نمایش اجناس، کافه‌های خیابانی و غیره زندگی بخشیده می‌شوند. چنین مسیرهایی مقصد در خودشان است. مکان‌هایی هستند برای آمدن، ماندن و شرکت در زندگی شهری. مسیر تبدیل به اتاق شهری می‌شود. جایی نه فقط برای عبور بلکه برای ماندن و متعلق بودن (رسولی و رحیم‌دخت‌خرم، ۱۳۸۸؛ ۷۲). تمامی تعاریف و ویژگی‌های مطرح شده حاکی از این است که پیاده‌راه شهری بهترین راه حل برای ارتقای تعاملات اجتماعی و اجتماع‌پذیری در فضای شهری خیابان مدرس کرمانشاه می‌باشد. همچنین در نمودار ۵، مزایای ایجاد پیاده‌راه‌ها مطرح گردیده‌اند. در شکل ۳، مزایای ایجاد راهبرد پیاده‌راه در خیابان مدرس کرمانشاه با توجه به اهداف پژوهش بیان شده‌اند.

به‌طور کلی مؤلفه‌های پیاده‌راه، تعامل فضا و مکان و ارتباط غیرکلامی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ایجاد

پی‌نوشت

1. Socialization
2. Urban Space
3. Historical-Cultural Identity
4. Arent
5. Zuker
6. Jacobs
7. Mamfoord
8. Wait
9. Geahl
10. Oldenberg

11. Sitte
12. Marcos
13. Keriar
14. Kalen

فهرست منابع

- برومندسرخایی، هدایت‌الله (۱۳۸۸)، در جستجوی هویت شهری کرمانشاه، انتشارات مرکز مطالعاتی و شهرسازی و معماری، تهران
- پاکزاد، جهان‌شاه (الف)، (۱۳۸۵)، سیمای شهر آنچه کوبین لینیچ از آن می‌فهمید، نشریه آبادی، شماره ۵۳.
- پاکزاد، جهان‌شاه (ب)، (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، انتشارات وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، انتشارات شهیدی، چاپ سوم
- پورجعفر، محمدرضا؛ پورمند، حسن‌علی؛ ذبیحی، حسین، هاشمی دمنه، لیباسادات و تابان، محسن (۱۳۹۰)، پدیدارشناسی هویت و مکان در بافت‌های تاریخی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره سوم، ص ۲۰ - ۱۱.
- رضایی، محمود (۱۳۸۳)، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در طراحی شهری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، رساله دکتری شهرسازی
- رسولی، سارا و سمیرا، رحیم دخت خرم (۱۳۸۸)، پیاده راه به مثابه یک فضای شهری مطلوب (مطالعه موردی بازار امام اهلواز)، ماهنامه بین‌المللی راه و ساختمان، شماره ۶۳، صص ۶۹-۷۵.
- صالح‌نیا، مجید و معماریان، غلامحسین (۱۳۸۸)، اجتماع‌پذیری فضای معماری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۰، صص ۱۲-۵.
- فرگاس، جوزف (۱۳۷۹)، روانشناسی تعامل اجتماعی: رفتار میان فردی، مترجم: مهرداد فیروز بخت و خشایار بیگی، انتشارات مهد، تهران
- قدسی‌پور، سیدحسین (۱۳۸۵)، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP، انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران
- کاشانی‌جو، خشایار (۱۳۸۹)، باز شناخت رویکرد نظری به فضاهای عمومی شهری، فصلنامه هویت‌شهر، شماره ۶، بهار و تابستان، صص ۱۰۶ - ۹۵.
- کالن، گوردون (۱۳۷۷)، گزیده منظرشهری، مترجم: دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- لنارد، سوزان کروهرست (۱۳۷۷)، طراحی فضای شهری و زندگی اجتماعی، مترجم: مجتبی پوررسول، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۴ و ۴۵، تهران
- لنگ، جان (۱۳۸۹)، آفرینش نظریه معماری، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- مدنی‌پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، انتشارات شهرداری تهران، تهران
- Arendt H., (1958). The Human Condition, University of Chicago Press, Chicago.
- Carmona M., (2006), Public Places, Urban Spaces, Architectural, Elsevier, Oxford.
- Gehl J., (1987). Life Between Buildings, Using Public Space, Van strand Reinhold, New York. Architectural Press, Oxford.
- Jacobs J., (1961). The Death and Life of Great American Cities, Random House, New York.
- Zuke RP, (1970). Town and Square; From the Agora to the Village Green, The MI Press Massachusetts.